

جناب فاضل با فضیلت دانشمند، امید است این عرایضم پرشش پاسخ نیافته شما را جواب باشد!

برادر ارجمندم! قبل از جواب به مکتوب مفصل ۸ صفحه تان، بدو موضوعیکه اولی آن به فضیلت و دانش قابل ستایش جناب شما و تسلط تان بلسانیکه نزول قرآن مبارک و هم چنان فرمایشات مستقیم و احادیث حضرت سرور کائنات صلی الله علیه و سلم (لسان عربی) بر آن صورت گرفته و شما عموماً تشنگان درک حقایق رابرای وارد شدن به احکام امر و نهی دین مقدس اسلام با تراجم و تفسیرهای معلومات علوم اسلامی خود رهنمون و مددگار بوده اید. و ثانیاً چند مثال عملی حیاتی را که در آن اکثراً جناب شما بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم شاهد و وارد بوده اید و چه بسا و باید که عکس العمل شما را بر مبنای این هدایت صریح حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و سلم در همان فرصتها ایجاب میکرد که نه کرده و یا آنرا (ممکن با ملحوظات جریانات روز!) نادیده گذشته اید - ذیلاً عرض میکنم که ممکن است خود این دو مطلب گره کشای مطلوب و پاسخی به پرسشهای پاسخ نیافته تان از طرف اینجانب باشد: و فرموده اول:

یکی از فرمایشات مثبتة حضور مبارک حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و سلم چنین است که در راه مبارزه با دشمنان اسلام و هم دفاع از حق و عدالت، بر هر مسلمان فرض است که اولاً - با سر و جان و مال خود مستقیماً و علناً در مقابل شرک و گناه و بی عدالتی و حق تلفی ها مبارزه کند. و ثانیاً - اگر جرأت آنرا نداشتند باشد به لفظ و کلام مبارزه خود را پیش ببرد و اگر به آنها جرأت نداشتند - ثالثاً - اگر باز هم بصورت فعال و جهراً و علنی اقدامی نتوانستند؛ در قلب و دماغ خود در برابر شان جبهه گرفته و با ایشان همکاری نکنند (که باز هم این عمل را ضعیف ترین ایمان پنداشته اند!!) حال لطفاً با توجه به همین امر و ارشاد حکیمانه و عدالت شعارانه، و هم با توجه به چند معلومات دقیق و ثقه که مستنداً شنیده و دیده ام و این مطالب، ما و شما را بسالهای قبل و بعد از آغاز جهاد مقدس ملی مردم افغانستان در برابر قوای متجاوز خون خوار شوروی (روسیه امروز!) می برد با اقامت و فعالیت عده از هم وطنان ما تحت عنوان رهبران جهادی (چه مشهد و چه پشاور و خاصاً در پاکستان) که در واقعیت تنها مقابله یا کشتار ملت بیبنوی افغان در پلان شوم بربریت متجاوزین مطرح بود و نه خاری بیای رهداران جهادی! که آن را با شما مطرح میسازم.

شما بخوبی میدانید که زمانیکه جنابانی برسم احتجاج یا بغاوت بر ضد رژیم سلطنت افغانستان - در سال ۱۳۵۲ شمسی افغانستان را به قصد پناه بردن و تکیه بر کمک دولت پاکستان و باز معناً و مادناً آمادگی گرفتن برای حمله برخاک افغانستان؛ مجهزتر میشدند؛ نه تجاوز روس مطرح بود و نه قیام ملت آزادی دوست و حریت طلب افغانستان! که تجاوز دوستان شما به پنجشیر و تکاب و امثال آن نمونه ثابت آن بوده است.

ولی با کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ و مداخله نظامی روس - عروج و طغیانی بود که از داخل و قلب ملت سرچشمه گرفته و قیام ملی ۳ حوت و بالاحصار و نعره و شعارهای الله اکبر و قیام بی سابقه ۲۴ حوت هراتیان با غرور و وقار در مقابل اشغالگران روس - با دادن ۲۵۰۰۰ شهید و قربانی - معرکه بود که تاریخ روزگار ما آنرا کمتر بیاد دارند و این افتخار هم جنبش خود جوش ملیبی بود که رهبریت و رهداری را از پشاور و مشهد بکار نداشت.

بیانیم به سر گذشت پشاور:- همه میدانند که هریک از جنایات پناهنده شده سال ۱۳۵۴ شمسی، به های کمشنری پاکستان - با محل بود و باشی مجانی ماهوار مبلغ ۲۰۰ کددار فی نفر کمک می گرفتند. ولی بعد از اینکه شوروی چهره واقعی متجاوزی خود را نمایان ساخت - همان مهاجرین پناه برده لباس تعویض کردند و خرقة جهاد پوشیدند و سر لشکر ملت خود قهرمان! که ایکاش بوطن آرام خود برمیکشتمند و واقعاً باز و و یار رهبر جهاد می شدند و آنها با یگانگی و اتحاد! - در حالیکه هرکي برای خود بیرق بلند کرد و نمایشگر صداقت بیشتر به اولیای دولت پاکستان! پاکستان راهم خدا داد و زیر ناوه دریای بیکران کمک ها به نام جهاد ملت افغان! شادیانه به پا کردند. که البته رهبر شدگان جهادی ما نیز ازین نازها و نوازشها - پرحرمان نماندند.

شخصاً از زبان شخص قابل اعتباریکه سالیانی در کدر و خدمت یکی از آن قهرمان شده ها در پشاور بود و هم یکی از معتمدین خزینه بیار ما مهورشان از های کمشنری پاکستان - شنیدم که به تناسب لنگر هریک شان در نزد دولت پاکستان - از آغای انجنیر ناشده و عنوان دار - جناب حکمتیار که ۵۰ میلیون کددار در ماه میرسید تا کم زور ترینها که از جناب استاد مجددی به ۱۸ میلیون در ماه میرسید - دیگر جنابان در وسط بین هر دو تا ۲۰ - ۳۰ میلیون در ماه

در جوانی بودند که شاید از جناب استاد ربانی بین ۲۰ تا ۲۵ میلیون روان بود و البته این کمک پولی بود که از جهان آزادی طلب و حریت پسند، اسعرا بجیب جناب بوتو و جنرال ضیاالحق سرزیر میشد و تسعیر شده حصه بحق به آقایان؛ و باز خشره های از دستر خوان ریخته آن از ۳ تا ۴ کلداره در ماه به فی نفرمه های از بینوایان پناهنده افغان بیوطن در کمپها تقسیم میشد. ولی ناگفته نماند که این قلم عایدات - بکلی بغیر از کمک های سر شاری از کشورهای عرب و عجم و نصارا و بی نام و موسسات بین المللی و انفرادی بزرگی و با مواد و لوازم خورد و بزرگ منقول و تجهیزات نظامی بوده که به این جیره بندی و مدد معاش ماهوارشان از کمشنری هیچ ارتباطی نداشته است - و میگویند که مثلاً سیاف صاحب چنان ترک ها را یاد داشتند که برای دوشیدن اعراب مغرور ساده لوح بی خبر از دنیا - و بغرض استفاده پولی هرچه بیشتر؛ جهاد فی سبیل الله را نشسته بر بوریای مسجدی - با کیفیت خوب و بظاهر داری آراسته در حضور آنها علناً تمثیل مینمودند و بعد از آن همان حرکت و همان سرک!

ولی وقتی که جناب استاد معظم جمعیت با عنوان ریاست جمهوری اسلامی افغانستان در ۱۹۸۶/۸۷ به لاس آنجلس تشریف آوردند یاور نظامی محترم شان جناب تورنجرال خان محمد خان تره خیل که انسان نیک ولی بزرگ نمایاند جناب استاد بودند و یاور نظامی جلا لثمایی بودند هر جا ازین نمونه قدرت و عظمت شان را یاد میکردند که: در برگزاری محفل عروسی و بزرگداشت پیوند زندگی جگر گوشه شان با جلا لثماب امروز افغانستان هزار پارچه یعنی جناب احمد ضیا مسعود برادر کهتر مرحوم شهید احمد شاه مسعود؛ در پشاور محفل با شکوهی بیاراستند و مخصوصاً تا شروط مقدم صبیبه محترمه شان را بجا نکردند (که بر علاوه دیگر جواهرات و تحایف بی شما؛ بایست و حتماً همان گلوبند ۱۳ لک کلداری را که خود محترمه دیده بودند و نیز تدارک و خریداری آخرین مودل ۵۰۰ نس مرسیدس رنگ مخصوص؛ برای شهرگشت خواهش و پیش شرط شده بود را) عملی نفرمودند! استاذزاده ارجمند در محفل حنا و آئینه مصحف قدم رنجه نکردند!

حال با تفصیلات و اشارات مستند دوستان و همصنفان و فرموده های شخص جناب فاضل صاحب ارجمند که با پسر خالگی و دوستی و همکابی و فعالیت در کدر روابط و ضوابط فرهنگی جمعیت استاد؛ حتی دوام تحصیلات شانرا فدای سر استاد نموده و یقیناً در همچو محافل معظم و امثال آن مشترک نه بلکه سرخوان هم بوده اند - و باهمان فضیلت علمی و باز هم هرچه قویتر ساختن آن در عربستان و کشورهای بعدی؛ مشعل بردار علم و معرفت و امر و نهی اسلامی بودند، چطور به استاد بی درد سرمایه دار - پیشنهاد نفرمودند که آخرتس از خدا و حیا از مردم دور و برت بکار است که در کمپ جلوزی مانند ها اطفال افغان مانند حیوان جان میدهند و جشن خودت چالان و چرا؟؟ که اگر دانشمند گرامی محترم بی عمل ما (که چون حقیقت است و روشن و نباید آزرده شوید!) باز به سابقه روش دبروزی های باز هم ملحوظاتی تان نظری بیاندازم چگونه میتوان به تفصیل ۸ صفحه ای و حتی ولو که ۸۰ صفحه و بالاتر از آن هم میباید ذوغال سیاه دودین و خشت خام کج مانده و کج رفته تا تریای عبد الله جان را شیر سفید و راست رفته در دفتر خودی نشان دهید چگونه میتوان امید وار بود که جناب شما عالم با عمل و دانشمند فیاضی بوده میتوانید؟

توجه فرمائید که شاعر دانشمند عهد اسلام سرا پا راستی و عدالت، مرحوم کعب بن زهیر چه میفرایند:

(ارزش انسان به قلب و زبان اوست و بقیه اش جز مقدار گوشت آلوده به خون نمی باشد)

تا که نظر جناب معظم فضیلت مآب شما چیست؟ و در قالب همان امر قاطع رهنمای مؤمنین جهان آدمیت کدام یک از مواد آن مورد عمل و رهنمون - اعمال اسلامی و افغانی عملی شما بوده است و در اخیر با قدردانی از تذکرات منظم برادر گرانقدر محترم جناب یفتلی صاحب از بدخشان و لطف شایان و قابل تشکر دیگر مهربانان و هم تذکرات بسیار راستین دوست و برادر گرامی واقعیت نگرم جناب ولی احمد نوری درین مورد - باز هم با تجربه اندوخته و سر گذشت سرد و گرم دیده خود و به استناد ایمان راسخی به وحدانیت قادر توانا و اساسات دین مقدس اسلام و قضا و قدر ذات یکتا دارم و به جز خالق توانای خود از هر هرزه و بی راهی که خود خائن اند و خائف تر سی بدل راه نمی دهم - به این باور هستم و تا حیات دارم روان خواهم بود که - دشمن نمی گویم زیرا باز هم افغانند! جبهه اگر قویست نگهبان قویتر است!!! و انشا الله و بزودی روزی رسید نیست که جبهه نشینان آویزان در گردن و ریش بیگانگان گبر و ترسا و بی خدا و اسلام نمایان - گندم نمای جو فروش -- محتویات جعبه های زنار شیطانی را با سر افکنده و پشیمان از جنایات بی شمار - و بنام غنای ملی و مردمی - بدامن ملت بریزند و سر بر سنگ استغفار بنهند و من الله التوفیق